

دومینوی تخریب بافت‌های تاریخی

شرق: محمدمهدی کلانتری، دبیر کمیته میراث فرهنگی اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی معماری، مرمت و شهرسازی ایران، درخصوص دومینوی تخریب بافت‌های تاریخی هشدار داد و به «شرق» گفت: «وقتی مصوبات شورای عالی بازپچه سیاست‌های جناحی می‌شود و هر چند سال یک بار با تغییر مدیریت‌های کلان کشور دچار تغییر و دگرگونی می‌شود، بزرگ‌ترین آسیب را جوامع محلی ساکن در این بافت‌ها و خود ماهیت و کالبد بافت‌های تاریخی می‌بینند.»

کلانتری ادامه داد: «بافت تاریخی شیراز سنگر اول است؛ اگر این سنگر سقوط کند و تخریب شود، شهرهای دیگر نیز یکی پس از دیگری همین مسیر را طی می‌کنند و به دنبال تغییر مصوبات قبلی شورای عالی و ادامه مسیر تخریب‌های گسترده در بافت‌های تاریخی می‌روند. دقیقاً مانند یک دومینو عمل می‌کند و اگر شیراز سقوط کند، باید منتظر سقوط دیگر شهرهای تاریخی نیز باشیم.»
کمالیاکه مدیریت شهری قزوین در دوران جدید مجدداً به فکر احداث خیابان انصاری شرقی در بافت تاریخی محله بلاغی است. طرح این خیابان که اگر کشیده شود، اصیل‌ترین بخش شهر قزوین را بشخ خواهد زد، سال ۹۴ در شورای عالی لغو شد و در سال ۹۷ با طرح محله‌محور پیاده‌مدار جایگزین، تصویب و ابلاغ شد که مدیریت شهری از این مصوبه تمکین نکرده و اخیراً اعلام کرده‌اند خیابان انصاری شرقی کشیده خواهد شد.

وی افزود: «این مدیران وقتی می‌بینند مصوبات شورای عالی درباره بافت تاریخی شیراز به راحتی و با یک سفر استانی هیئت دولت لغو می‌شود، درمی‌یابند اگر شیراز توانسته مصوبات را لغو کند، چرا ما نتوانیم؛ و این تازه اول ماجراست. مسئله قزوین تنها یک خیابان نیست؛ اخیراً در جلسه شورای شهر صحبت از تبدیل کل عرصه و حریم بافت تاریخی شیراز به یک پارک ملی بود تا بتوانند محدوده ۷۲۰ هکتاری بافت تاریخی دوران صفوی قزوین را کاملاً نابود کنند. این پالی مثبت به تخریب بافت‌های تاریخی، به اعتقاد من با چراغ سبز وزیر میراث و به‌کاربردن عنوان بافت فرسوده برای کهن‌ترین بخش بافت تاریخی شیراز در مهر ۱۴۰۰ اتفاق افتاده و دومینوی تخریب‌ها از شیراز آغاز شده، به قزوین رسیده و به‌زودی اکثر شهرهای تاریخی ما را درگیر خواهد کرد.

محمدمهدی کلانتری که دانشجوی دکترای مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی در دانشگاه علم و صنعت ایران است، گفت: «تخریب آثار فرهنگی در هر جغای کره خاکی اتفاق بیفتد، فحای فرهنگی تلقی می‌شود؛ اما این روزها در ایران و در مورد بافت تاریخی شیراز این اتفاق از سوی مسئولان امر و با طی‌کردن مسیر مصوبه‌های قانونی اجرائی می‌شود. و او بار می‌که جغای فرهنگی دارد تبدیل به قانون و مصوبه می‌شود. کلیدواژه بافت فرسوده و اطلاق آن به بافت تاریخی ارزشمند، روشی برای ازبین‌بردن هویت معماری ایرانی-اسلامی است که از سوی مدیران مسئول در نهادهای کشوری حوزه معماری و شهرسازی در سال‌های پس از جنگ تئوریزه و باب شد و شهرداری‌ها و ادارات راه و شهرسازی استانی بازوی اجرائی آن شدند. هرچند در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای تفکیک واژه بافت فرسوده بی‌ارزش از بافت تاریخی ارزشمند شده، اما کافی نبوده است.

ادامه از صفحه ۲

...در سفری به لندن در سال ۱۸۶۱ (۱۲۴۰) بحث‌های مفصلی با Alexander Herzen داشت که معتقد بود تمدن غربی نه از اروپا است و یُنانسیل‌های خود را برای رشد از دست داده است. Herzen که بعضی او را پدر سوسیالیسم روسی قلمداد می‌کنند، آینده را از آن مردم روسیه می‌دانست که در رشد بشریت نقش ایفا نکرده‌اند و با شکست‌های اروپا تنها ملتی هستند که تمام اسباب رشد را در اختیار دارند. تورگنیف، Herzen را در خواب و خیال می‌دانست که باید برتری نژاد اسلاو را کنار بگذارد و به پیشرفت، به‌عنوان مجموعه‌ای از قوانین بنگرد و فرقی میان روسی و اروپایی نیست و راه و مسیر پیشرفت مشخص است.

Herzen رهایی را در بسجج توده‌ها می‌دانست و تورگنیف در لیث تحصیل‌کرده که تغییر ایجاد کنند. به واسطه اختلافات فکری که میان آنها ایجاد شد، Herzen به تخریب گسترده تورگنیف مبادرت ورزید و رابطه این دو روشنفکر و تحصیل‌کرده برای مدت‌ها نزدیک‌ی زمان مرگ Herzen به تیرگی گرایید.

در The Lone Wolf تورگنیف به زندگی یک روستایی که حامی، مطیع و زیردست ارباب است می‌پردازد، سپس این روستایی را نسبت به وضعیت هم‌قطاران فقیر خود بی تفاوت نشان می‌دهد و اینکه چگونه فقر و محرومیت، روان‌شناسی دروغ و دردی را شکل می‌دهد. درنهایت تورگنیف نتیجه می‌گیرد که سیستم حاکم بر آن اوضاع اجتماعی و اقتصادی، شخصیت فرد را از او می‌زاید و اهتمام تغییر ایجادکردن را از روستایی و حتی اربابان علاقه‌مند نمی‌گیرد. تورگنیف که به‌طور واقعی فردی متواضع بود به خاطر یکی از نوشته‌های بارز خود A Sportsman’s Sketches که وضعیت زندگی روستایی را با دهه کاراکتر و داستان‌های کوتاه بیان می‌کند، یک‌سال‌ونیم به شهر Spasskoe در جنوب مسکو تبعید شد تا متوجه شود حق آگاهی‌یادان را ندارد. در ۱۲۰۷/۱۸۵۰ که Diary of a Superfluous Man در سال ۱۹۲۶ نوشته شده، مفهومی را مطرح می‌کند که تم ثابت بسیاری از زُمان‌ها و تلقیات از او شخصیت انسان‌هاست. به نظر می‌آید او منظوری شبیه به «بی‌فایده»، «بی‌خاصیت» و «اضافی» از واژه Superfluous در زمان‌های خود به کار می‌برد. او می‌گوید افراد، قربانی سیستم اجتماعی هستند که با اینکه می‌توانند بسیار مفید و خلاق و هنرمند باشند ولی از آنها خاصیت‌زدایی شده است زیرا سیستم می‌خواهد عوم را زیر متعصب، عوام، ضعیف، خودزن یا تقدیری بر پیشانی نوشته شده و نامید از هرگونه اثرگذاری و تغییر و تحول بنیادی نگه دارد. تورگنیف که این رمان را در پاریس نوشت، تحت تأثیر فضایی بود که در غرب اروپا به فرد «فضا» می‌دهند. «شهروند» می‌تواند به دور از نگرانی از اداره سانسور که نوشته‌های تورگنیف را بررسی می‌کرد، حرف‌های خود را بزند. فکرکردن جرم نبود، متفاوت‌بودن حق بود. آزادی فکر و عمل مانع از سولفات‌شدن جامعه می‌شد. تورگنیف از اینکه فرد تا این حد در فرانسه، آلمان و ایتالیا «حق» داشت، از شوق پرواز می‌کرد. در Mumu، تورگنیف از یک داستان واقعی پرده برمی‌دارد و به کاراکتری به نام Gerasim اشاره می‌کند که هیکلی قوی دارد ولی کر و لال است. او فقط دستورات ارباب و مالک را دنبال می‌کند. قدرت قلم و طنز و داستان‌سرایی تورگنیف آن‌قدر خود را در

اطلاق بافت فرسوده به بافت تاریخی شیراز از سوی وزیر میراث که متولی حفظ و مرمت بناها و بافت‌های تاریخی است، نشان می‌دهد هنوز در ابتدای مسیر دشواری برای تعریف و حفاظت بافت‌های تاریخی ارزشمند هستیم».

به گفته او «مطرح‌شدن دوباره موضوع تخریب بافت تاریخی شیراز از آنجا آغاز شد که در سفر استانی دکتر ابراهیم رئیسی به استان فارس در مهرماه سال جاری، طرح ۵۷هکتاری توسعه حرم شاهچراغ برای چندمین بار مطرح شد. این طرح اولین بار در دولت محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۹ در شورای عالی معماری و شهرسازی ایران تصویب و تخریب‌ها و آزادسازی‌های آن از همان سال شروع شد. با تغییر دولت، نگرش مدیران کشوری نیز در مواجهه با بافت‌های تاریخی تغییر محسوس داشت؛ تا جایی که در سال ۱۳۹۴ طرح ۵۷هکتاری به دلیل تخلفات و مغایرت با ارزش‌های بافت تاریخی و عدم برنامه مشخص، از سوی شورای عالی به‌طور کلی لغو شد و طرح تفصیلی این محدوده با رویکرد حفاظت از بافت تاریخی تهیه، تصویب و در همان سال ابلاغ شد. هرچند طرح مصوب جدید هیچ‌گاه در دستور کار مدیران استانی قرار نگرفت و تخریب‌های بافت تاریخی در این محدوده به صورت غیرقانونی تا سال ۱۳۹۶ نیز ادامه یافت. این تخریب‌ها وسعتی چهار هکتاری دارد که ۱۰ اتر ثبت ملی و ده‌ها اثر ارزش ثبت‌نشده نیز به صورت غیرقانونی در این سال‌ها با خاک یکسان شدند. شکایت دکتر مونسان، وزیر میراث وقت، برای تخریب بناهای ثبت ملی در سال ۹۸ منجر به محکومیت تخریب‌ها در دادگاه و صدور رای بازسازی عین‌به‌عین دو بنای تاریخی تخریب‌شده شد که هیچ‌گاه انجام نشد. بر روی‌کارآمدن دولت دکتر ابراهیم رئیسی و تغییر نگرش مجدد وزرای متولی در این امر، مسئولان استانی به فکر قانونی‌کردن روند تخریب‌ها افتادند و در جلسه استانی هیئت دولت در شیراز در مهر ۱۴۰۰ مجدداً طرح ۵۷هکتاری را مطرح کردند و با همراهی هیئت دولت، وزیر کشور، وزیر راه و شهرسازی و وزیر میراث فرهنگی، اجرای طرح در دستور کار قرار گرفت. سؤال اصلی اینجاست که بافت تاریخی مگر بازپچه سیاست‌ها و تفکرات حزبی و جناحی است که با تغییر دولت‌ها، دست به دگرش شود و در هر دوره با تصمیمی غیرکارشناسی و عجولانه در مسلخ سیاست‌مداران و سران توسعه قربانی شود؟ یا مردمی که در این منطقه تاریخی زندگی می‌کنند، بازپچه هستند که هر روز یک تصمیم جدید اتخاذ شود و با یک تغییر نگرش، حیات و زندگی بدون نگرانی و اضطراب از آنان سلب شود؟»

دبیر کمیته میراث فرهنگی اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی مرمت و شهرسازی ایران خاطرنشان کرد: «در کتاب گزارش سفر دولت سیزدهم به استان فارس (تهیه، تدوین و چاپ‌شده توسط استانداری فارس) و به‌عنوان مصوبه شماره ۳۹ از ۱۰۰ مصوبه هیئت دولت صراحتاً ذکر شد «تهیه و تصویب طرح تفصیلی مجموعه ۵۷هکتاری شاهچراغ از طرف شورای عالی شهرسازی و معماری به شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان تفویض گردد». در راستای همین تفویض اختیار که بعدها از سوی عده‌ای برای تخریب و معاون او دکتر علی دارابی به نهضت تفویض اختیار به مقامات استانی تعبیر شد، بی‌اراده‌شدن و بی‌خاصیت‌شدن و سلب‌شدن از هر نوع یُنانسیلی، سُمبولیسمی است که تورگنیف در این داستان به تصویر می‌کشد. تورگنیف در ۱۶سالگی وارد دانشکده ادبیات دانشگاه مسکو شد (دانشگاهی که در سال ۱۷۵۵/۱۱۳۴ تأسیس شده بود) و سپس یک سال بعد به دانشکده تاریخ و فلسفه دانشگاه سن پترزبورگ (تأسیس سال ۱۷۲۴/۱۱۰۲) منتقل شد. به از دو سال دانشگاه در روسیه، برای شش سال به غرب اروپا سفر کرد و در آنجا درس خواند. Parasha اولین زُمان اوست که در ۲۵سالگی نوشته شد و تقدیر بزرگانی مانند Vissarion Belinsky را برانگیخت. دغدغه تورگنیف در عمر ۶۵ ساله‌اش این بود که چه کار کنیم روسیه بهتر شود، تغییر یابد، ر ده قدرت‌های بزرگ قرار گیرد و چگونه می‌توان برای روسیه مفید بود. ادبیات او حکایت از ایجاد نهضتی برای آگاهی از خود و شرایط بود. اما آگاهی چیست؟ او به همان اندازه که به افکار نادرست اشاره می‌کند، به کاراکتر هم توجه دارد. کاراکتری که بی تفاوت است و قدرت فکرکردن و تحرک را از دست داده است. او ضمن اینکه با صدها کاراکترسازی، تضادهای شخصیتی ضد پیشرفت را نوشت ولی درعین حال اهل تغییر را در نخبگان اصالح می‌دانست. بدینی و تدریجی و تصاعدی او آخرین رمان او که در سال ۱۸۷۷/۱۸۷۷ نوشته شد ادامه دارد. تورگنیف چنین توان فکرکردن و مقایسه‌کردن را داشت با آن دسته از اطرافیان خود که وضع موجود را تایید می‌کردند، یا در مقام توجیه آن بودند، مشکل پیدا می‌کرد. شاید بتوان نتیجه گرفت که او ریشه تغییر را در آزادانه فکرکردن مستقل از دستگاه‌های دولتی می‌دانست. او هزاران بار در رمان‌های خود، روستاییان و کشاورزان را «آسیر» دستگاه ارباب-رعیت نشان می‌داد. به همین دلیل از نیکلای گوگول تجلیل می‌کرد. Gogol پس از دو اثر خود یکی The Inspector General (۱۸۳۶/۱۲۱۵) و دیگری (Dead Souls ۱۸۴۲/۱۲۱۱ یا روح‌های مرده، که دوره ۳۰ساله نیکلاس اول را به نوعی معرفی می‌کرد، از چشم حکومت افتاد. دستگاه‌های تبلیغاتی نیکلاس گوگول را به تضعیف سَرزمین مادری‌اش متهم کردند. وقتی در ۱۸۰۹-۱۸۵۲/۱۲۶۷ از دنیا رفت، تورگنیف به خاطر متن تسلیتی که می‌خواست در رسانه‌ها چاپ کند، یک ماه در زندان سپری کرد. تورگنیف آموخت که متفاوت‌فکرکردن هزینه دارد و تنها کسانی که وضع موجود را تمجید می‌کنند، مورد احترام قرار می‌گیرند. سروهای بلند چندان حق حیات ندارند. تورگنیف هرچه جلوتر می‌رفت بیشتر به تاریخ رجوع می‌کرد تا ریشه‌های رفتار فعلی را استخراج کند. تنها شش سال قبل از مرگش (۱۸۶۴/۱۲۵۵) در

جامعه

وزیر میراث فرهنگی بافت فرسوده اطراف حرم را فاجعه ملی خواند و از تشکیل یک هیئت سه‌نفره متشکل از نمایندگان از استانداری فارس، شهرداری شیراز و میراث فرهنگی برای بازنگری و تعیین تکلیف میراثی بودن ۲۰۰ خانه تاریخی در محدوده طرح ۵۷هکتاری خبر داد و در جایی در جمع خبرنگاران بیان کرد: «خانه‌های میان دو حرم امامزادگان شاهچراغ و سیدعلاءالدین حسین، از میان رفته و داغان است». پس از این تصمیم غیرکارشناسی و ناگهانی در سفر استانی هیئت دولت، موج مخالفت‌ها آغاز شد. نامه ۱۸۰ نفر از استادان دانشگاه به رئیس‌جمهور، نامه ۵۰ استاد دیگر به وزیر میراث، راه‌اندازی سه کارزار در مخالفت با تخریب که تاکنون جمعا بیش از ۳۳ هزار امضا دارد، نامه دکتر غلامحسین معماریان به وزیر میراث در دیدار با پیش‌کسوتان و رسانه‌ای شدن آن، نامه ایشان به اتفاق سردبیران نشریات علمی-پژوهشی به رئیس‌جمهور، نامه اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی معماری، مرمت و شهرسازی ایران به رئیس‌جمهور و نامه دوم اتحادیه به وزیر میراث و راه‌اندازی پویش ملی #نجات_بافت_تاریخی_شیراز توسط این اتحادیه، بخشی از اقدامات انجام‌شده از سوی مخالفان این طرح بود. همچنین مکاتبات و نامه‌نگاری‌های بیشتری نیز از طرف فعالان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و استادان دانشگاهی با مقامات مختلف کشوری و استانی صورت گرفته است. اما در مقابل مسئولان استان فارس در نامه‌ای ۱۱امضایی به رئیس‌جمهور، با قلمدادکردن مخالفان به افرادی دور از اعتقادات مذهبی که حتی یک بار به زیارت مشرف نشده‌اند، خواستار تسریع اجرای طرح ۵۷هکتاری شدند و در نتیجه این فشارهای رسانه‌ای و فعالان فرهنگی و دانشگاهی، یکباره شاهد تغییر مواضع رسانه‌ای مسئولان کشوری و استانی هستیم».

کلانتری ادامه داد: «کنکه انحرافی این روزها که از زبان متولیان امر شنیده می‌شود، این است که هیچ بنای تاریخی قرار نیست خراب شود. اما بیشتر که دقت می‌کنیم، متوجه می‌شویم منظورشان از بنای تاریخی تنها بناهای ثبت‌شده در فهرست میراث فرهنگی است و بناهای ارزشمند حائن ثبت و تمامیت بافت تاریخی در صحبت آنان جایگاهی ندارد. نتیجه این مقامات شختل کشوری و استانی هکتار ۳۶۰ هکتار بافت تاریخی شیراز به نسبت یک ششم از کل آن و تنها نگهداشت ۳۰ تا ۴۰ بنای ثبت ملی در این محدوده است. جوابیه‌هایی که در اعتراض به این طرح مخرب صورت گرفته نیز درخوَر تأمل است. کوبی جامعه ایران و مطالبه‌گران توقف این طرح، ساده‌لوح هستند و مواضع قبلی مسئولان امر را فراموش کرده‌اند. محمدهادی ایمانی، استاندار فارس، موج مخالفت با تخریب بافت تاریخی شیراز را شایعه‌سازی‌های فضای مجازی نام می‌برد و این در حالی است که در جلسه استانی ۲۲ بهمن سال جاری با حضور وزیر راه و شهرسازی، از اجرای طرح تا دو هفته آینده و تملک با سرعت املا و حتی ایجاد دسترسی مترو به این بافت سخن گفته است. از سوی دیگر، مصیب امیری در مصاحبه‌های خود اعلام می‌کند اخبار فضای مجازی و رسانه‌ها مبنی بر تخریب بناهای تاریخی ارزشمند صحت ندارد. او که در اردیبهشت ۱۴۰۰ رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی شد، پیش از آن به مدت هشت

دو مشکل روس‌ها به روایت تورگنیف

Watch داستان ساعتی را می‌گوید که کاراکتر اصلی از پدربزرگ خود، از افراد مسئول و فاسد است، دریافت کرده است. پسرعموی او مرتب او را تشویق می‌کند که این ساعت را دور بیندازد. پسرعمو که پدرش به این انصاف هستند، هم رنج می‌برد، هم دل‌شکسته شد و هم انزوا می‌کند نباید از چنین فرد فاسدی ساعت هدیه گرفت. کاراکتر اصلی هرکاری می‌کند نمی‌تواند از دست این ساعت خلاص شود. تورگنیف به‌طور استعاره، ساعت را مترادف سیستم فاسد و وضع موجود تلقی می‌کند. در نهایت پسرعمو، ساعت را به رودخانه می‌اندازد ولی با این وصف که کم مانده بود غرق شود. این معنی استعارگونه (Allegorical Meaning) می‌گوید: کسانی که تغییر می‌خواهند، ممکن است تا دم مرگ بروند.

در سه رمان Fathers and Sons (۱۸۶۲/۱۲۴۱)، Smoke (۱۸۶۷/۱۲۴۶) و Virgin Soil (۱۸۷۷/۱۲۵۶)، تورگنیف وارد جزئیات فکری خود شد و از طریق کاراکترهایی که خلق کرد، هنر مقایسه خود را بیشتر شکوفا کرد. در رمان پدران و پسران که هنوز بعد از کودنیم قرن مورد بحث و گفت‌وگو است، دو طرز تفکر نسل قدیم و نسل جدید را به بحث می‌گذارد. به گفته فیلسوف انگلیسی روس‌تبار Isaiah Berlin، پنج گروه رمان پدران و پسران را بررسی کردند. این رمان پرسیروصداترین نوشته او بود و با کاراکتر بازآراف، اهمیت فکر، صنعت، رشد، پیشرفت، دانش، فراموشی گذشته و رو به آینده رفتن را برجسته کرد. در Smoke نقابل و رودرویی شخصیت‌ها ادامه پیدا می‌کند. تورگنیف، نقدهای سخت‌تری را مطرح می‌کند. در سال ۱۸۶۷ می‌یرسد: روسیه تا به حال چه چیزی تولید کرده است که برای بشریت ارزش داشته باشد؟ او حساسیت خود را به واژه تمدن به خوبی نشان می‌دهد. بر فایده‌داشتن کارها (Utilitarianism) بسیار تأکید می‌کند و با تمسخر شاهزاده‌ها و گذاشتن نام‌های عجیب و غریب بر آنها (Koko, Zizi, Zozo)، خالی‌بودن ذهن و مشغولیت‌های بی‌معنای آنها را روی کاغذ می‌آورد. در نهایت، شخصیت اصلی به شخصیتی که می‌خواهد به روسیه برگردد، می‌گوید: هر وقت کار جدیدی را شروع می‌کنی، از خود پیرس آیا در خدمت تمدن هستی یا نه؟ آیا فعالیت تو در خدمت دانش از نوع اروپایی که در دوره ما و برای ما مفید است می‌باشد یا خیر؟. انتخاب واژه «دود» رای این رمان، شاهکار ادبی تورگنیف و تسلط و خنکی او را استعاره‌نویسی است. رمان آخر او که طولانی‌ترین نیت هستم دور از وطن و درمورد نهضت اجتماعی دهه ۱۸۶۰ بود. تورگنیف در پی نسلی بود که می‌خواهد آینده جدیدی را برای روسیه رقم بزند. یک جا می‌گوید: «به ما روس‌ها نگاه کن، ما همیشه چشم‌به‌راه هستیم، چیزی قرار است در یک آن، همه مسائل را حل کند. این جادوگر کیست؟ داروینیسم؟ روستاها؟ یک جنگ خارجی؟ هر عاملی می‌خواهی بگو».

تورگنیف خود ۵۰ سال از زمانی که ۱۲ساله بود تا روزی که مرگ او را به کام خود فروکشید، هفت هزار نامه نوشت. او به روسیه عشق می‌ورزید و نامه می‌نوشت تا از خواندن پاسخ‌هایی که به روسی نوشته می‌شد، لذت ببرد. واکنش‌های بی‌رحمانه و غیرمشفافانه به نوشته‌های او، تورگنیف را به لحاظ روانی به سمتی برد تا با متن و نامه با افراد بحث کند تا حضوری، یکی از یادگیری‌های به‌جاماندنی او از فرهنگ غرب اروپا، تک‌شخصیتی بودن بود که در صراحت و صداقت او نهادینه



سال مدیرکل میراث استان فارس بود و در مدت مدیریت خود هیچ اقدام جدی برای جلوگیری از تخریب چهار هکتار از این بافت تاریخی و تخریب ۱۰ بنای ثبت ملی این محدوده نکرد و حتی جلو ارسال پرونده ثبت بناهای ارزشمند این محدوده را به تهران گرفت. ایشان که با ترک فعل سازمانی، در تخریب‌های گسترده این سال‌ها با سکوت و بی‌عملی به نوعی همراهی و مشارکت کرده، اکنون از طرف وزیر میراث فرهنگی به‌عنوان نماینده بررسی طرح ۵۷هکتاری انتخاب شده است؛ انتخابی که نگرانی‌های فعالان میراث فرهنگی را برانگیخته و با آنکه ظاهراً تغییر موضعی در جوابیه‌ها مشاهده می‌شود، اما نتیجه اصلی بررسی طرح در شورای عالی معماری و شهرسازی در هاله‌ای از ابهام و عدم شفافیت است». دبیر کمیته میراث فرهنگی اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی معماری، مرمت و شهرسازی ایران گفت: «سؤال اصلی اینجاست که عزت‌الله ضرغامی و علی دارابی که هر دو اهل رسانه ملی بودند و از صداوسیما به وزارت میراث فرهنگی رسیده‌اند و با رسانه و کار رسانه‌ای نامانوس نیستند و همیشه دوست داشته‌اند در قاب دوربین‌ها و جلوی خبرنگارها حاضر باشند، چرا پس از گذشت چهار ماه از گذاشتن تیغ توسعه بر کلوی تاریخ در موضوع بافت تاریخی شیراز، روزه سکوت گرفته‌اند و خود را در مقام پاسخ‌گویی نمی‌بینند. اکنون که در آستانه هجوم قریب‌الوقوع و جولان لودرها و بولدوزرهای توسعه در این بافت تاریخی هستیم، سکوت معنادار متولیان میراث فرهنگی نشانه خوبی نیست و آرامشی قبل از توفان است. با آنکه تعداد زیادی نامه در مورد بافت تاریخی شیراز به نهادهای مسئول و ریاست‌جمهوری ارسال شده و رونوشت همه آنها به همراه نامه‌های زید استادان و مجامع دانشجویی و سایت کارزار با ۳۳ هزار امضا به وزارت میراث سرانیزیر شده است، تاکنون جواب یک نامه را هم ن داده‌اند و تنها می‌گویند پژوهشگاه از طرف وزیر میراث مامور رسیدگی به موضوع بافت تاریخی شیراز است. این بازکردن تکلیف از سر خود و بی‌اعتنایی به دغدغه جامعه متخصص و عموم ایرانیان، بسیار نگران‌کننده است. بکنند قرار است این مصوبه زبان‌بار و جبران‌ناپذیر در سکوت و خفا تصویب و اجرائی شود و پس از مرگ سهراب، تنها اقدام وزیر به‌عنوان نوشدارو، ابراز تأسف و جابه‌جایی و عزل رئیس پژوهشگاش باشد و فکر کند با کنارگذاشتن او، چهره‌ای قهرمان و محبوب از خود به جای خواهد گذاشت و می‌تواند تقصیر این فاجعه فرهنگی را بر عهده یک شخص بگذارد و خود کنار بایستد؟ اما ایشان و معاون ایشان باید بدانند هر اتفاقی برای بافت تاریخی شیراز بیفتد، بزرگ‌ترین تقصیر بر عهده شخص آنها و ناتوانی‌شان در انجام مسئولیت و دفاع از میراث فرهنگی کشور بوده است و جامعه متخصص، سربدم، آبنندگان و تاریخ‌ه‌رگز این بی‌عملی، سکوت و همراهی با تخریبگران را نخواهند بخشید.»

وی همچنین عنوان کرد: در قالب این کمپین، قصد داریم سرفه‌های این خانواده‌ها را هم رونق ببخشیم؛ در همین راستا در کمپین «پویش آیین مهرورزی» بیش از ۵۰۰ عدد بسته ارزاق که شامل برنج، روغن، ماکارونی، سویا، حبوبات، قند و شکر، جایی و… است، بین خانواده‌ها پخش خواهیم کرد. وی افزود: ۱۴ سال پیش کمپین «پویش آیین مهرورزی» کار خود را با صد بسته آغاز کرد و در سال ۹۸ با توجه به اینکه شیوع کرونا کسب‌وکارها را تحت تأثیر قرار داده بود، بیش از چهارهزارو ۲۶۶ بسته بین خانواده‌ها پخش شد.

کمپین سبزی‌پلو با ماهی

● ۱۰ سال است که هر سال میانکین بیش از ۱۵ هزار پیرس سبزی‌پلو با ماهی بین کارتن‌خواب‌ها و مراکز نگهداری این افراد پخش می‌شود. مدیرعامل جمعیت طلوع بی‌نام‌ونشان‌ها درباره این کمپین گفت: هر سال سعی داریم با پخت سبزی‌پلو با ماهی، حال‌وهوای عید را به پاتوق‌ها، گرمخانه‌ها و مراکز نگهداری کارتن‌خواب‌ها ببریم تا آنها بداندن افرادی هستند که تنهایی عید را جشن نمی‌گیرند. رجبی تأکید کرد: امسال هم قرار است با همراهی و همکاری باورها و خیرین، بیش از ۲۰ هزار پیرس سبزی‌پلو با ماهی در سه‌شنبه آخر سال پخته شود.

ادامه از صفحه اول

فراخوان به پژوهشگران علم سیاست در ایران*
شکل‌گیری گفتمان کارشناسی در فضای رسانه‌های اجتماعی امری است که می‌تواند در انتخاب‌های مهم مقامات رسمی تأثیرگذار و مددکار باشد. امروزه، «عمومی‌سازی دانش سیاسی» از سوی دانشمندان و پژوهشگران و ترویج و ساده‌سازی آن در عرصه عمومی به امری ضروری تبدیل شده است. از این‌رو ضروری است که پژوهشگران از آشنایی کوچک مجلات تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به درآیند و گاه به سپهر وسیع‌تری در رسانه‌های اجتماعی نیز گذر کنند تا بتوانند مفاهیم پیچیده دانش سیاسی را به زبانی ساده در معرض افکار عمومی قرار دهند. «عمومی‌سازی دانش سیاسی» می‌تواند بستری از یادگیری اجتماعی را فراهم کند تا افق‌های ذهنی مردمان و تصمیم‌گیران برای اتخاذ تصمیمات منطبق با منافع ملی به یکدیگر نزدیک شود. رسانه‌های اجتماعی به همان اندازه که مفید، می‌توانند زمینه را برای عوام‌زدگی در سیاست‌ورزی و آلودگی از توده‌گرایی‌های زرد سیاسی فراهم کنند. بنابراین پژوهشگران علم سیاست است که حضوری کارشناسانه و در عین حال مطابق با سطح افکار عمومی را به فعالیت‌های پژوهشی و تخصصی خود بیفزایند. انتقال دانش بدون تکرار و ایجاد عرصه عمومی و گفتمان اجتماعی ناممکن است. نمی‌توان انتظار داشت که سخن و گفتار پژوهشگر به یکباره جامعه عمل بپوشد و همگان گوش‌به‌فرمان دانشمند علوم سیاسی باشند. این، نه ممکن است و نه علمی، اولاً، سخن کار دانشمند سیاسی باید به گونه نقد دیگر اندیشمندان گذاشته شود تا پخته شود و ثانیاً، باید با تکرار و تکرار به شکل منظومه‌ای معنایی درآید و به گفتمان عمومی تبدیل شود تا زمینه‌های اجرای آن توسط قدرت سیاسی فراهم شود.

*** سخنرانی افتتاحیه در پانزدهمین همایش انجمن علوم سیاسی ایران**
شکل‌گیری گفتمان کارشناسی در فضای رسانه‌های اجتماعی امری است که می‌تواند در انتخاب‌های مهم مقامات رسمی تأثیرگذار و مددکار باشد. امروزه، «عمومی‌سازی دانش سیاسی» از سوی دانشمندان و پژوهشگران و ترویج و ساده‌سازی آن در عرصه عمومی به امری ضروری تبدیل شده است. از این‌رو ضروری است که پژوهشگران علم سیاست است که حضوری کارشناسانه و در عین حال مطابق با سطح افکار عمومی را به فعالیت‌های پژوهشی و تخصصی خود بیفزایند. انتقال دانش بدون تکرار و ایجاد عرصه عمومی و گفتمان اجتماعی ناممکن است. نمی‌توان انتظار داشت که سخن و گفتار پژوهشگر به یکباره جامعه عمل بپوشد و همگان گوش‌به‌فرمان دانشمند علوم سیاسی باشند. این، نه ممکن است و نه علمی، اولاً، سخن کار دانشمند سیاسی باید به گونه نقد دیگر اندیشمندان گذاشته شود تا پخته شود و ثانیاً، باید با تکرار و تکرار به شکل منظومه‌ای معنایی درآید و به گفتمان عمومی تبدیل شود تا زمینه‌های اجرای آن توسط قدرت سیاسی فراهم شود.

*** سخنرانی افتتاحیه در پانزدهمین همایش انجمن علوم سیاسی ایران**

دریچه

بوی عیدی در مشام

آسیب‌دیده‌های اجتماعی پیچید

● بیش از ۵۰۰ کودک آسیب‌دیده از کارت‌خوانی و اعتیاد و در معرض آسیب، لباس عید خریدند و به استقبال سال نو رفتند.

اکبر رجبی‌مشهود، مدیرعامل جمعیت طلوع بی‌نام‌ونشان‌ها، دراین‌باره گفت: کمپین «بوی عیدی» بیش از ۱۰ سال است هر سال با نزدیک‌شدن به سال نو، کودکان تحت پوشش مؤسسه را برای خرید شب عید دور هم جمع می‌کند.

او افزود: در این کمپین، کودکان خانواده‌های آسیب‌دیده اجتماعی، کودکان خانواده‌های بهبودیافته از کارت‌خوانی و اعتیاد و در معرض آسیب که تحت پوشش مؤسسه هستند، با سلیقه خودشان به خرید شب عید می‌روند. رجبی گفت: امسال هم مانند سال‌های گذشته، تمامی این کودکان به همراه باورهای مؤسسه با کارت‌های پولی که در اختیارشان بود، لباس و مایحتاج شب عیدشان را خریدند.

مدیرعامل جمعیت طلوع بی‌نام‌ونشان‌ها ادامه داد: امسال هم این کمپین در تهران، کرج، شهریار، رباط‌کریم و… برگزار شد و با هماهنگی‌ای که با پاساژهای محله‌ها انجام شده بود، بچه‌ها در منطقه زندگی‌شان خرید کردند. این کار سعی کردیم کسب‌وکار اهالی منطقه را هم رونق دهیم. رجبی تأکید کرد: کمپین «بوی عیدی» با این هدف برگزار می‌شود که بچه‌ها بتوانند آنچه را دوست دارند، خریداری کنند و بوی عیدی در مشامشان بیچد.

وی همچنین عنوان کرد: در قالب این کمپین، قصد داریم سرفه‌های این خانواده‌ها را هم رونق ببخشیم؛ در همین راستا در کمپین «پویش آیین مهرورزی» بیش از ۵۰۰ عدد بسته ارزاق که شامل برنج، روغن، ماکارونی، سویا، حبوبات، قند و شکر، جایی و… است، بین خانواده‌ها پخش خواهیم کرد. وی افزود: ۱۴ سال پیش کمپین «پویش آیین مهرورزی» کار خود را با صد بسته آغاز کرد و در سال ۹۸ با توجه به اینکه شیوع کرونا کسب‌وکارها را تحت تأثیر قرار داده بود، بیش از چهارهزارو ۲۶۶ بسته بین خانواده‌ها پخش شد.